



روایت رهبر انقلاب درباره سلمان فارسی با ذکر حدیثی از امام صادق(ع) / چرا اهل بیت سلمان محمد(ص) را دوست داشتند

رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج روز دوشنبه مورخ 2 بهمن ماه، به ذکر حدیثی(1) از امام صادق(ع)، درباره خصوصیات جناب سلمان فارسی پرداختند.

رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج روز دوشنبه مورخ 2 بهمن ماه، به ذکر حدیثی(1) از امام صادق(ع)، درباره خصوصیات جناب سلمان فارسی پرداختند.

به گزارش خبرگزاری فارس، نشریه [خط حزب الله](#)؛ در صدهجدهمین شماره خود با انتشار خبر ویژه [ای از شرح حدیث درس خارج رهبر انقلاب نوشت](#):

حضرت آیت الله خامنه [ای رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج روز دوشنبه مورخ 2 بهمن ماه](#)، به ذکر حدیثی(1) از امام صادق(ع)، درباره خصوصیات جناب سلمان فارسی پرداختند. نظر به اینکه این حدیث می [تواند الگویی اخلاقی و رفتاری برای نیروهای مؤمن و انقلابی باشد](#)، خط حزب [الله برای اولین بار آن را منتشر می کند](#).

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين. [عن منصور بن بزرج، قال: قلت لابي عبد الله الصادق \(عليه السلام\): ما أكثر ما أسمع منك يا سيدي ذكر سلمان الفارسي؛ راوی می گوید چقدر من زیاد می شنوم از شما که نام سلمان را می برید و از او یاد می کنید. معلوم می شود که حضرت \[امام صادق \(عليه السلام\)\] مکرر در مکرر راجع به سلمان مطالبی را می فرموده اند. این شخص تعجب می کند که چیست که اینقدر موجب شده شما به او توجه دارید، یا شاید مثلاً به او محبت دارید و از این قبیل.](#) [فقال: لا تقل الفارسي؛ و لكن قل سلمان المحمدي؛ یعنی نسبت او، فراتر از نسبت قومی و میهنی است؛ نسبت دینی است. این البته به هیچ وجه، طعن به قوم فارس نیست؛ پیغمبر اکرم و ائمه \(علیهم السلام\) از فارس - مردم ایران- تمجید کردند، تعریف کردند؛ در این که تردیدی نیست. می خواهد بفرماید که این شخص، فراتر و بالاتر از این است که به نسبت قومی شناخته بشود؛ نسبت او، نسبت عقیده و دین و پیامبر است؛ او کانه و مثلاً- فرزند پیغمبر است.](#)

[أ تدری ما كثرة ذكري له؟ \[حضرت فرمود\] می دانی چرا؟](#) [لا. قال: ثلاث خصال؛ سه خصوصیت در سلمان بود که این موجب می شود که من او را زیاد یاد کنم و نام او را ببرم - لابد مثلاً- اجلال کنم او را، تعظیم کنم او را یا محبت به او بورزم.](#) [أحدها: إثارته هوى أمير المؤمنين \(عليه السلام\) على هوى نفسه؛ چیست آن سه خصلت؟ یکی از این است: میل امیرالمؤمنین را بر میل خود غلبه می داد. از این معلوم می شود که بیش از یک بار چنین چیزی اتفاق افتاده که حضرت چیزی را اراده کردند، سلمان چیز دیگری در دل خود و در ذهن خود می خواسته است ولیکن میل و هوای امیرالمؤمنین را - هوای او؛ یعنی میل- بر میل خود ترجیح داده است. ببینید مقام امیرالمؤمنین را؛ حالا البته اینها که گوشه و کناره های آن عظمت و آن جلالت الهی و ملکوتی و جبروتی است ولی خب، اینها همه، هرکدام یک نشانه است.](#)

[و الثانية: حبه للفقراء و اختياره إياهم على أهل الثروة و العدة؛ \[دوم:\] فقرا را دوست می داشت. بعضی ها از طبقه و می مستضعف جامعه اصلاً بدشان می آید؛ حاضر نیستند طرف آنها بروند، نگاه نکنند به آنها! خودشان را برتر از آنها می دانند؛ او نه؛ فقرا را دوست می داشت، آنها را بر اهل ثروت ترجیح می داد. اگر فرض بفرمایید در یک جایی امر دایر بود بین یک سرمایه و دار محترم خیلی پول و داری یا یک فقیری، یا باید مثلاً خانه و می این برود یا خانه و می آن برود، یا باید به این سلام کند یا باید به آن سلام کند، این فقیر را بر آن غنی ترجیح می داد؛ اینها درس است دیگر. ما طلبه ها، ما جامعه و می روحانیت و علمی، یکی از خصوصیات و مان از اول همین بوده است که با ضعفا و طبقه و می ضعیف نزدیک بوده ایم؛ این خیلی امتیاز بزرگی است. بله، گاهی پول و دارها ممکن بود سراغ یک عالمی هم بیایند، او هم یک احترامی](#)

بکند اما معاشرت روحانیون ما، علمای ما، مراجع ما، ائمه و علمای جماعت ما - علمائی که بودند با مردم- عمدتاً با مردم فقیر و زیر متوسط بوده است؛ این خیلی چیز مهمی است؛ این را باید نگه بداریم. حالا که علما و روحانیت، به یک موقعیتی در عالم سیاست دست پیدا کرده و اند، نباید آنچه را تاریخچه و سنت کهن ما است از دست بدهیم. اینکه در یک شهری یک عالمی مثلاً باشد، [ولی] بین مردم معروف باشد که ایشان با تجار و با پولدارها و با باغدارها و مانند اینها [آنس دارد] - مهمانی خانه و این؛ مهمانی در باغ آن- اما با فقرا نه، آنسی ندارد؛ این چیز خوبی نیست. این هم یک خصوصیت.

وَالثَّالِثَةُ: حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَالْعُلَمَاءِ؛ یکی هم این [سومی]: جناب سلمان علم را دوست می داشت، علما را دوست می داشت. این سه خصوصیت در این بزرگوار، موجب می شود که امام صادق با آن جلالت و عظمت، نسبت به او گرایش پیدا کند، محبت -یا تجلیل و تعظیم- نسبت به او بکند. إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا خَنيفًا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ [می فرمایند: سلمان بنده و صالح خنیف مسلمان است و از مشرکین نیست.]

1) امالی طوسی، مجلس پنجم، ص 133